

نرم افزار یک اثر معنوی است

گفت و گو با آفرینندگان اصلی برنامه نقش

علیرضا پورنقش بند از اولین برنامه نویسی هایی است که با موضوع واژه پردازی فارسی دست و پنجه نرم کرده است؛ از تحویل یک سفارش دانشجویی تا تکوین و تکامل نرم افزار نقش، حکایتی است که از زبان ایشان و همکارشان، آقای غنیمی فرد، می خوانیم. گفت و گو در دفتر نرم افزاری نقش صورت گرفت (بله، هنوز هم برپاست) و صداقت پورنقش بند و صحبت گرم غنیمی فرد آن را روان و راحت پیش برد. در گوشه ای از اتاق چند رایانه همراه در کارتن چیده شده بود؛ تصویر گویایی از روش های سالم بقاء شرکت های نرم افزاری در ایران.

می آید ایشان نیم ساعت شادمانی کرده. این کار در آن زمان موفقیت بزرگی بود.

با آشکار شدن کم و کسری های برنامه، آقای فیروزخانی در صدد گسترش آن برآمد. به واسطه آشنای مشترکی پی من فرستاد و خواست برنامه کامل تری طراحی کنم. وی علاقه شدیدی به ارائه کاری اختصاصی داشت و آرزویش امکان درج اعراب کامل در حروفچینی رایانه ای بود. ایشان انصافا سرمایه گذاری قابل توجهی برای محقق شدن حروفچینی رایانه ای به زبان فارسی کرد.

من ابتدا امکان درج اعراب را تعبیه کردم، سپس در مسیر پیاده کردن خواسته های ایشان به واژه پرداز ساده ای به نام Word P رسیدیم که کمابیش از پس حروفچینی یک کتاب بر می آمد. این برنامه روی رایانه های آی بی ام XT و در محیط نسخه های اولیه سیستم عامل داس کار می کرد، فکر کنم نسخه ۲.۵.

غنیمی فرد: در واقع Word P متن را به شکل ستونی با اندازه معین می چید و برای درج متن در کتاب باید آن ستون برش می خورد و در صفحه های نهایی چسبانده می شد.

پورنقش بند: برای نوشتن Word P سی هزار تومان دستمزد گرفتم. Word P و صفحه آرا اولین محصولات ایرانی بودند که در زمینه نشر رومیزی تهیه شدند و استفاده کنندگان مختلفی داشتند. آقای فیروزخانی Word P را به چند ناشر دیگر فروخت. این جریان به گوش آقای غنیمی فرد رسید که در انتشارات صابرین به کار نشر کتاب مشغول بود. ما با هم ملاقات کردیم و ایشان از کم و کیف Word P پرسیدند. توضیح دادم که امتیاز این

پورنقش بند: نقش مانند اکثر نرم افزارها زاده شد، به این معنی که سیر تحول آن در تصورات ابتدایی خالق آن هم نمی گنجید. شاید باورکردنش مشکل باشد اما در واقع علت تولد نسخه اولیه نقش ورود یک چاپگر لیزری به کشور بود.

ماجرا از این قرار است که در سال های ابتدایی دهه شصت هجری شمسی، ناشری به نام آقای حسن فیروزخانی، تصمیم گرفت که یک چاپگر لیزری وارد کند. ایشان با این کار می خواست تحولی در کیفیت و قیمت حروفچینی پدید آورد. قیمت چاپگر لیزری در آن زمان بسیار کلان بود؛ همچنین به علت ناشناخته بودن، وارد کردن آن نیاز به اخذ مجوز از نهادهای دولتی داشت. آقای فیروزخانی برای تامین بودجه، منزل خود را فروخت. سپس با دوندگی زیاد مجوزهای مربوطه را از وزارت ارشاد گرفت تا بالاخره یک چاپگر اچ پی ۲ وارد کشور کرد.

ایشان در قدم بعد به یک طراح نرم افزار به نام آقای حسن فیروزبخت مراجعه کرد و سفارش برنامه ای برای حروفچینی به زبان فارسی داد. حاصل کار برنامه بسیار ساده ای بود که چهار قلم، در چهار اندازه داشت. قلم های آن نرم افزار به اصطلاح bitmap بود و به همین علت به کمک کاغذ شطرنجی پیاده سازی می شد. این قلم ها حاصل یک سال عمر آقای فیروزخانی بود، و نقطه نقطه آن با کلیدهای Delete و Insert حذف و اضافه شده بود. این برنامه بعدها صفحه آرا نام گرفت.

امکانات صفحه آرا با معیارهای کنونی خیلی اندک به نظر می رسد، اما آقای فیروزخانی خیلی خوشنود بود. یک بار از طراحی اولین حرف فارسی در رایانه تعریف می کرد، ظاهرا حرف «د». وقتی که این حرف برای نخستین بار از چاپگر بیرون

ما خیلی از صنایع و فناوری ها را از میان راه اخذ کردیم و از ابتدا همراه آن نبودیم، اما در باره نشر رومیزی این طور نبود. پتانسیل خوبی در این زمینه دیده می شد.



علیرضا پورنقش‌بند
متولد سال ۱۳۴۵.
او در دبیرستان مدرس
تهران تحصیلات
متوسطه خود را به
پایان رسانده و پس از
آن دوره‌های کارشناسی
و کارشناسی ارشد
رشته کامپیوتر را در
دانشگاه صنعتی شریف
گذرانده است. وی در
حال حاضر مدیرعامل
نرم‌افزاری نقش است.

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف بودم، و در حالی که تمام واحدهایم را گذرانده بودم و شاگرد اول نیز بودم، اخراجم کردند! برای فارغ‌التحصیلی پنج ترم مهلت داشتم اما کار به ترم ششم کشید و نامه اخطار برآیم آمد. به هر ترتیب این برنامه تا سال ۱۳۷۱ ارتقا‌های مختلفی پیدا کرد.

غنیمی فرد: نکته جالبی که درباره نرم‌افزارهای نشر رومیزی وجود داشت این بود که ما در ایران کارهایی مشابه شرکت‌های تولید نرم‌افزار خارجی انجام می‌دادیم، آن هم نه با تاخیر زمانی طولانی. ما خیلی از صنایع و فناوری‌ها را از میان راه اخذ کردیم و از ابتدا همراه آن نبودیم، اما درباره نشر رومیزی این طور نبود. پتانسیل خوبی در این زمینه دیده می‌شد. در سال ۱۳۶۷ که با آقای پورنقش‌بند آشنا شدم، نرم‌افزار Word P را دیدم و آن را با Word Star مقایسه می‌کردم، خیلی از امکانات در دو برنامه مشترک بود و امکاناتی هم که موجود نبود می‌شد با یک برنامه‌ریزی چندماهه اضافه کرد. فاصله چندساله و چنددهه‌ای نبود. و همین نکته باعث می‌شد که تصور کنیم چشم‌انداز این رشته امیدوار کننده و خوب است.

در آن زمان کشورهای عربی در این زمینه از ما عقب بودند، زیرا سابقه ما در رایانه از همسایگان عرب خیلی بیشتر است. حدود سال ۱۳۷۳ در یک نمایشگاه خارجی حضور داشتیم و در آن جا با دست‌اندارکان شرکت مشهور صخر آشنا شدیم. این شرکت در اصل کویتی است اما در حال حاضر دفتر آن در کشور مصر واقع است و کارهای باارزشی در زمینه نرم‌افزارهای عربی انجام داده است. در نمایشگاه مذکور من با قائم مقام مدیرعامل صخر صحبت کردم و امکانات برنامه نقش را به او نشان دادم که برایش خیلی جالب بود، حتی به سرمایه‌گذاری و خرید نرم‌افزارهای ما علاقه نشان دادند. این یکی از وقایعی بود که نشان می‌داد ما در برنامه‌های نشر رومیزی

برنامه متعلق به آقای فیروزخانی است. بعدها با اجازه ایشان نسخه‌ای از Word P را در اختیار آقای غنیمی فرد گذاشتم، و آشنایی ما از همان جا شروع شد.

غنیمی فرد: در آن دوران اشخاص و شرکت‌های مختلفی درگیر این امر بودند، الان دیگر خبری از آن‌ها نیست. در آن موقع حرفه‌چینی رایانه‌ای محور حرکت‌ها بود. مثلاً نرم‌افزار MLS، یک نرم‌افزار خارجی، که شرکت سیما آوا امکان فارسی‌نویسی آن را فراهم کرده و تعداد زیادی قلم فارسی را به آن افزوده بود. همان طور که ذکر شد نرم‌افزار صفحه‌آرا در اصل محصول مرکز کنترل کامپیوتر بود، اما آقای فیروزبخت مستقیماً درگیر آن شده بود. با ظهور نرم‌افزارهای جدی‌تر، صفحه‌آرا کم‌کم نقش باخت. نرم‌افزار شناخته شده زرنگار هم در حال نشو و نمو بود. کسانی هم نرم‌افزارهایی تولید می‌کردند که جنبه تجاری جدی نداشت، آقای به نام شربینانی شخصاً برنامه‌ای برای این امور طراحی کرده بود، اما به کارش جنبه تجاری نداد و نرم‌افزارش وارد بازار نشد. در همان زمانی که با آقای پورنقش‌بند آشنا شدم سراغ آقای فیروزبخت نیز رفتم، چون دنبال یک راه حل مناسب بودم. ایشان امکانات صفحه‌آرا را برآیم نمایش داد. بعد نام MLS را شنیدم، هر طوری که بود نمونه‌های کار MLS را یافتم و بررسی کردم. در این میان کار آقای پورنقش‌بند را بیشتر پسندیدم، و کیفیت کار و زیبایی قلم‌ها نظرم را جلب کرد. نکته مهم دیگر این بود که ایشان در حال توسعه برنامه بودند و ما می‌توانستیم خواسته‌هایمان را به ایشان منتقل کنیم. در حالی که اگر می‌خواستیم MLS را تهیه کنم، امکان تغییر در آن خیلی دشوار بود. شرکت آن را به صورت یک بسته آماده نرم‌افزاری می‌فروخت و تغییر دادن امکانات آن مستلزم هزینه بسیار بود. قیمت MLS حدود هشتاد هزار تومان بود و قیمت صفحه‌آرا حدود دویست هزار تومان؛ مقارن زمانی که سواری پیکان خود را ۲۸۰ هزار تومان فروختم! این‌ها دست به دست هم داد و باعث شد که روی کار آقای پورنقش‌بند سرمایه‌گذاری کنم.

پورنقش‌بند: از ابتدا قصد نداشتم این برنامه را تا این حد گسترش دهم، اما آقای غنیمی فرد مصرانه خواسته‌هایشان را به من منتقل می‌کردند. مثلاً یک بار از من خواست که امکان محاسبه نرخ حرفه‌چینی را به نرم‌افزار اضافه کنم، یا امکان ساختن خودکار فهرست اعلام. در این میان روی برنامه دیگری کار می‌کردم. حدود سال ۱۳۶۷ این برنامه کامل شد و نام نقش را بر آن گذاشتم، اولین نسخه آن را هم انتشارات صابرین خرید. ابتدای این سال Word P شروع به کار کرده بود، و سر و کله MLS هم در همان دوران پیدا شد. حدس می‌زنم زرنگار نیز در حال طراحی بود، اما من هنوز نامی از آن نشینده بودم.

من سرمایه‌سنگینی در این راه گذاشتم. خاطرم مانده که آن قدر غرق در نوشتن این برنامه بودم که از دانشگاه غافل شدم،

بورلند پاسکال به اضافه توربو ویژن طراحی شده بود، آن زمان توربو ویژن بحث جدیدی بود. بسیاری از این امکانات حتی تا سال ۱۳۷۵ به نرم افزارهای رقیب اضافه نشد.

غنیمی فرد: تمام امکاناتی که ما در نقش داشتیم پیشتر بود و در نرم افزارهای ایرانی مشابه وجود نداشت. البته بازار زرنگار همیشه بیشتر از نقش بود. شاید به این دلیل که شرکت سینا تجربه زیادی در تولید نرم افزار داشت و به همین علت بازار بزرگی داشت. نرم افزارهای خوبی هم داشتند، از جمله زرنگار.

پورنقش بند: شرکت نرم افزاری نقش در فروردین سال ۱۳۷۴ تاسیس شد. پیش از آن نقش توسط انتشارات صابرین توزیع می شد و این یکی از اشتباهات تاکتیکی ما بود. اساسا تولید و توزیع نرم افزار باید از طریق یک شرکت نرم افزاری صورت بگیرد. به خاطر شیوه نادرست پخش، دوران طلایی نرم افزارهای ویژه پرداز فارسی را تقریبا از دست دادیم. مردم عادت دارند که هنگام تهیه یک محصول از دوست و آشنا پرس و جو کنند و نامی که برایشان آشناست انتخاب کنند. سال ۱۳۷۶ کامل ترین نسخه نقش تا آن زمان را عرضه کردیم؛ نسخه ۶.۷۷. پس از آن دیگر تحول اساسی به آن معنا نداشت. سال ۱۳۷۷ آخرین سالی بود که فروش پر رونقی داشتیم و از سال ۱۳۷۸ فروش کم و کم تر شد و در سال ۱۳۷۹ قطع شد. سالی پنج یا ده نسخه را نمی شود فروش دانست. هنوز مشتریان قبلی زنگ می زنند و پشتیبانی می خواهند، من هم هر روز از ساعت سه تا پنج بعد از ظهر در شرکت حضور پیدا می کنم و پاسخ آن ها را می دهم.

غنیمی فرد: نقش مطابق نیاز مشتریان رشد کرد. مثلا تا زمانی حداکثر اندازه قلم ۲۴ پوینت بود، اما حسب نیاز یک روزنامه ما اندازه قلم ها را افزایش دادیم، یا امکان منفی کردن کادرها و اضافه کردن حروف ترکیبی (مثل لله و لا) و مانند این. کار غلطیابی املائی در برنامه از دیگر امکاناتی بود که اضافه کردیم. برنامه ای به نام گستره نگار بود که یک غلطیاب املائی داشت، ما با آن ها قراردادی بستیم و امتیاز غلطیاب را از آن ها گرفتیم و به صورت اختیاری به مشتریانمان عرضه کردیم. سپس با توجه به استقبال مشتریان مجبور شدیم گنجینه لغات غلطیاب را افزایش دهیم و یک برنامه غلطیاب مخصوص نرم افزار نقش نوشتیم.

مشتریانی که نیازهای فنی تری داشتند اکثرا خریدار نقش بودند. مثلا دست اندرکاران نشر حدیث در حال ساختن بانک اطلاعاتی از کتب فقهی اسلامی بودند که کار سترگی بود. آن ها تصمیم گرفتند نتایج کارشان را به صورت فهرست موضوعی چاپ کنند و برای این امر در پی یک نرم افزار مناسب بودند. بالاخره سراغ ما آمدند و بیش از پانزده نسخه از نقش را خریدند. بعد ما برای آن ها امکان Batch Processing را تعبیه کردیم.



سیامک غنیمی فرد
متولد سال ۱۳۴۷ در
شهر تهران.
در رشته معماری و
شهرداری تحصیل
کرده است.
غنیمی فرد از سال ۱۳۶۳
به کار نشر و از سال
۱۳۶۷ به کار تولید و
توسعه نرم افزار
مشغول بوده است.
اکنون عمده مشغولیت
حرفه ای او در
نرم افزاری نقش امور
بازرگانی است.

از کشورهای غربی خیلی عقب نبودیم و پتانسیل خوبی در ایران وجود داشت.

اگر می خواستیم با همکارانمان در ایران رقابت کنیم، این رقابت عادلانه بود. رقابت سالم زرنگار و نقش اگر ادامه می یافت به نفع همه ما بود، اما با Word نمی شد رقابت کرد. به دلیل فقدان قوانین مشخص و معینی در زمینه حق مولف و حق طبع سیل نرم افزارهای خارجی به بازار ایران جاری شد، آن هم رایگان. فقط باید پول CD و ضبط را می دادید. در این رقابت معلوم است که بازنده کیست؛ قیمت زرنگار و نقش ۱۲۰ هزار تومان بود و نشر الف ۱۲۵ هزار تومان، اما Word فقط هزار تومان!

سال ها پیش، ما و چندین شرکت دیگر نامه ای به مقامات مسوول نوشتیم. در آن نامه توضیح دادیم که پتانسیل و استعداد های موجود در زمینه نرم افزار ثروت ملی محسوب می شوند، ثروت ملی فقط در چاه و معدن نیست، باید راهکارهایی برای حفظ و گسترش این ثروت اندیشید، اما هیچ توجهی به این نامه نشد. سیاست های موجود باعث شد تمام پروژه های نرم افزاری مانند نقش شکست بخورد. در حال حاضر فقط نرم افزارهای اختصاصی بازار دارند؛ نرم افزارهایی که به سفارش یک مشتری خاص تولید می شوند و کاربرد شخصی دارند. نرم افزارهای محدودی هم مانند معرفی آثار باستانی و آموزشی بازار کوچکی دارند.


پورنقش بند: در سال ۱۳۷۲ برای بار اول در نمایشگاه، نرم افزارمان را به نمایش عام گذاشتیم. نقش ۶ تماما بازنویسی شده بود و با این کار نقش از خیلی از رقبایش جلو افتاده بود. در واقع بسیار نزدیک به نرم افزارهایی بود که تحت ویندوز طراحی شده اند. رابط بصری کاربر (GUI) خوبی داشت. طراحی آن کلا تغییر کرده بود و شی گرا شده بود. ما آماده پیاده سازی نرم افزار تحت ویندوز بودیم. زبان پیاده سازی برنامه هم پاسکال بود و با

آن‌ها با کمک این قابلیت بانک‌های اطلاعاتی خود را مبدل به کتاب می‌کردند. یا مثلاً دست‌اندرکاران دایره‌المعارف بزرگ اسلامی با وسواس زیادی که در نمونه‌خوانی مطالبشان داشتند، دنبال روش مناسبی برای انتشار ادامه کارشان بودند. مجلدات نخست این دایره‌المعارف با استفاده از دستگاه لاینوترون حروفچینی شده بود و نمی‌خواستند تفاوت ظاهری بین کارهای جدید و قدیمی به وجود آید. ما کاری کردیم که آن‌ها مایل به همکاری با ما شوند: یک صفحه از آن دایره‌المعارف را عیناً با نقش بازسازی کردیم، طوری که نمونه تفاوت اصلی و بازسازی شده قابل تشخیص نبود. آن‌ها هم مشتری نقش شدند. کارهای زیادی قصد داشتیم بکنیم که نیمه کاره ماند؛ نرم‌افزاری برای رتق و فتق امور دفتری، نرم‌افزاری برای طراحی انواع جدول، طراحی حروف و شکل دادن به حروف و جملات.

پورنقش‌بند: به نظر من عمر مفید طراحی نرم‌افزار برای یک مهندس محدود است، من هم از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵ به این کار مشغول بودم. پس از آن دیگر گرایش چندانی به آن نداشتم، در شرکت خودمان هم چندین مورد مشابه داشتیم. در عوض نیروی جایگزین هم پیدا نکردیم، معمولاً افراد یا کاملاً بی‌تجربه بودند و افراد ماهر بیشتر تمایل به مهاجرت و یا تاسیس شرکت شخصی

داشتند. تجربیات تلخی در این زمینه داشتیم؛ افرادی بودند که برای توسعه کار از آن‌ها دعوت کرده بودیم، اما بعدها مدعی مالکیت نقش شدند که در یکی از موارد کار به دادگاه و شورای عالی انفورماتیک کشیده شد. جلسه‌های زیادی در شورای انفورماتیک برگزار کردیم؛ بگذریم.

با این همه هنوز هم کار تولید نرم‌افزار را کنار نگذاشته‌ایم. دوسال روی تجارت الکترونیکی سرمایه‌گذاری کلانی کردیم و اولین پایگاه فعال تجارت الکترونیکی را در ایران راه انداختیم. این پایگاه برای یک شرکت بزرگ دولتی طراحی شد، اما کارمان هیچ نتیجه‌ای نداد و سرمایه ما هیچ بازگشتی نداشت. نرم‌افزار یک اثر معنوی است، در ایران کمتر نهادی خود را موظف می‌داند که برای آثار معنوی هزینه کند. مگر در مواقع اضطراری، مثل بازدیدهای رسمی مقامات و مانند آن.

غنیمی فرد: اگر قانون حق طبع در ایران رعایت شود، ما با رشد نرم‌افزار روبه‌رو خواهیم شد. ما نیروهای ایرانی بسیار مستعدی داریم که در سراسر دنیا مشغول به کارهای ارزشمند و مهم هستند. ممکن است با تصویب این قانون آن‌ها دوباره جذب کشورشان شوند و برای ایران کار و درآمدسازی کنند. در چنین حالتی ما تولیدکننده خواهیم بود و نه مصرف‌کننده. 

**سال‌ها پیش، ما و
چندین شرکت
دیگر نامه‌ای به
مقامات مسوول
نوشتیم. در آن
نامه توضیح دادیم
که پتانسیل و
استعدادهای
موجود در زمینه
نرم‌افزار ثروت
ملی محسوب
می‌شوند.**